تاریخ اجتماعی

تاریخ «پاکبانی» در ایران

پاکبانی یا به اصطلاح قدیمی‌تر آن، رفتگری، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مشاغل خدمات شهری است. حفظ بهداشت و پاکیزگی شهرها، دغدغه‌ای همیشگی محسوب می‌شود و رفع این دغدغه، جز با تلاش و کوشش پاکبانان زحمتکش، امکان ندارد. به‌تحقیق معلوم نیست که از چه زمانی در شهرهای ایران پاکبانان فعال شدند، اما می‌دانیم که پس از تشکیل بلدیه یا همان شهرداری، به تقلید از کشورهای اروپایی و البته، پس از پیروزی انقلاب مشروطه و تصویب قانون مربوط به آن در خردادماه ۱۲۸۶، پاکبانی هم به عنوان یک شغل مستمر در شهرها پدیدار شد. در آن زمان به رفتگر، «سُپور» می‌گفتند؛ واژه‌ای اصالتاً تُرکی که از کلمه «سُپُرماق» گرفته شده بود و معنای فارسی آن، «رفتگر» بود. در ابتدا پاکبانان مسئولیت انتقال زباله‌های شهری به مناطق تعیین‌شده توسط شهرداری و گاه، از بین بردن آن از طریق سوزاندن یا دفن کردن را داشتند؛ اما مدتی بعد، مسئولیت حفظ بهداشت معابر شهر به عهده آن‌ها گذاشته شد. بعد از تأسیس بلدیه تهران در سال ۱۲۸۹، یعنی حدود سه‌سال بعد از تصویب قانون مربوط، توسط خلیل‌خان اعلم‌الدوله، پاکبانان مأمور شدند که با آب‌پاشی معابر، مانع از برخاستن گرد و خاک به هوا شوند. در آن زمان، خیابان‌ها و معابر شهری در ایران، عمدتاً خاکی بود و هنگام باد و توفان و حتی ردشدن وسایل نقلیه، گرد و خاک فراوانی از زمین بلند می‌شد که بسیار آزاردهنده بود. پیش از آن، در دوره ناصرالدین‌شاه، تعدادی از سقاهای تهران مأمور این کار شده بودند. پاکبانان در این دوره، از کلاه هم‌رنگ به عنوان لباس متحدالشکل استفاده می‌کردند. بعدها و به تقلید از کشورهای اروپایی، برای آن‌ها یونیفرم و کلاه فرنگی تهیه شد و آن‌ها ملزم بودند هنگام خدمت، این لباس‌ها را بر تن داشته باشند.

تاریخ جهان

آیا کمونیست‌ها انقلاب روسیه را آغاز کردند؟

ژانویه سرخ مسکو؛ آغاز سقوط تزار

خاندان رومانوف در سال ۱۶۱۳ میلادی قدرت را در روسیه به دست آورد و آن را تا اکتبر سال ۱۹۱۷، در اختیار داشت؛ دورانی حدوداً ۳۰۰ ساله که مشحون از غارت و چپاول طبقات فرودست بود. عوامل تزار هر نوع اعتراضی را با خشونت تمام سرکوب می‌کردند و به همین دلیل، وقتی نیکلای دوم، آخرین تزار روس، در اکتبر ۱۸۹۴ به قدرت رسید، همه‌چیز طبیعی و آرام به‌نظر می‌رسید. اما تقریباً تمام روشنفکران و سیاستمداران روسیه می‌دانستند که این آرامش، آرامش قبل از توفان است. پیش از آن که کمونیست‌ها خود را به عنوان رهبران انقلاب جا بزنند، کشیشی مردمی به نام «گاپون»، پرچم قیام را بلند کرد؛ او به حمایت از کارگران و دهقانانی پرداخت که زیر بار ستم عوامل تزار کمر خم کرده بودند. مدتی بعد، گاپون تحت تعقیب قرار گرفت، اما توانست از مهلکه بگریزد. در همان حال، فقرای جامعه روسیه در اقدامی هماهنگ، دست به تظاهراتی گسترده در مسکو زدند. پیش از شروع راهپیمایی که قرار بود کاملاً آرام برگزار شود و صرفاً تریبونی برای اعلام خواسته‌های مردم باشد، طرفداران گاپون، مردم را می‌گشتند تا سلاح همراه آن‌ها نباشد. راهپیمایی بسیار گسترده بود؛ برخی گزارش‌ها، از حضور ۱۵۰ هزار نفر در آن خبر داده‌اند. اما واکنش تزار به این اقدام، انفعال کامل و استفاده از خشونت در حد اعلای آن بود؛ در ژانویه ۱۹۰۵، در سرمای جانکاه روسیه، سربازان تزار تفنگ‌ها را به سوی تظاهرکنندگان نشانه رفتند و قتل‌عام آغاز شد؛ مردم از همه طرف مورد هجوم قرار گرفتند. این نخستین‌بار در تاریخ روسیه بود که چنین قتل‌عامی به وقوع می‌پیوست. تعداد کشته‌ها را تا ۱۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند. ژانویه سرخ، سرآغاز روندی بود که به سقوط تزار و حکومت وی انجامید؛ روندی که کمونیست‌ها مدعی شدند که آغاز گرش بودند؛ اما این ادعا از پایه دروغ بود. لنین و جانشینانش برای خارج کردن گاپون از دور آغازگری مبارزه، او را متهم کردند که با پلیس مخفی تزار همکاری می‌کرده و به همین دلیل، چند سال بعد، به دست آزادی‌خواهان روس در سوئیس به قتل رسیده است.

پیروزی مردم مشهد در خونین‌ترین مصاف با رژیم پهلوی

چگونه مدیریت آیت‌ا... خامنه‌ای و یارانشان در قیام ۹ و ۱۰ دی ۱۳۵۷، پایان تسلط رژیم شاه را بر مشهد رقم زد؟

جواد نوائیان رودسری– از پایان آبان‌ماه تا ۱۰ دی‌ماه سال ۱۳۵۷، مشهد شاهد وقایعی زنجیره‌وار بود که در نهایت به پیروزی قاطع انقلابیون در مشهد انجامید؛ هرچند که از ماه‌ها قبل و به‌ویژه بعد از فاجعه ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران، مشهد کانون اعتراضات گسترده مردمی بود و انقلابیون تکاپوی گسترده‌ای را در آن سازمان‌دهی کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به سخنرانی مشهور رهبر انقلاب در ورزشگاه تختی اشاره کرد؛ اقدامی که با همت فرهنگیان مشهد سازمان‌دهی شد و خیزی برای فعالیت‌های بعدی بود. در روزهای پایانی آبان‌ماه، یکی از راهپیمایی‌ها با حمله عوامل رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد و در ادامه سرکوب، مأموران به داخل حرم مطهر رضوی ریختند و حرمت آن را شکستند. در آذرماه ۱۳۵۷، تظاهرات گسترده مردم مشهد، با مدیریت مثلث رهبری انقلاب در این شهر، یعنی آیت‌ا... خامنه‌ای، آیت‌ا... واعظ طبسی و شهید هاشمی‌نژاد، همزمان با عاشورای حسینی برگزار شد و قیام مردم را علیه رژیم پهلوی، وارد مرحله جدیدی کرد؛ به‌ویژه آن‌که در قطعنامه پایانی این تظاهرات پرشکوه، ساقط‌شدن رژیم پهلوی گنجانده شده بود. تغییر تابلوی بیمارستان «۶ بهمن» به «۱۷ شهریور» توسط انقلابیون باعث شد که رژیم درصدد خروج از انفعال برآید. حمله به بیمارستان امام رضا(ع) در ۲۳ آذرماه، دقیقاً در همین راستا صورت گرفت، اما تأثیر عکس داشت. توقف و تحصن دو هفته‌ای انقلابیون در بیمارستان امام رضا(ع) و تبدیل‌شدن میدان مقابل آن به کانون میتینگ‌های داغ انقلابی و نمایشگاه عکس جنایات رژیم، عملاً حکومت را در موضع ضعف قرار داد. تداوم برنامه‌های بیمارستان تا ششم دی‌ماه، زمینه را برای ادامه اعتراضات در سطحی وسیع‌تر فراهم کرد و چنین بود که مشهد، در آستانه قیام بزرگ ۹ و ۱۰ دی‌ماه قرار گرفت؛ قیامی که به باور بسیاری از انقلابیون، پایان کار رژیم شاه در مشهد بود و پس از آن، اداره امور همه مراکز حساس شهر در اختیار مردم قرار گرفت.

■ آغاز قیام از استانداری

استانداری یکی از معدود مراکز دولتی در مشهد بود که هنوز در اختیار عوامل رژیم پهلوی قرار داشت. هشت دی‌ماه ۱۳۵۷ بود که خبر تحصن کارکنان استانداری و پیوستن آن‌ها به جریان انقلاب، در همه شهر منتشر شد. به منظور حمایت از اقدام انقلابی کارکنان استانداری و جلوگیری از تعرض نیروهای نظامی رژیم به آن‌ها، مثلث رهبری برنامه یک راهپیمایی گسترده را به سمت استانداری، در روز نهم دی‌ماه طراحی کرد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای درباره آغاز این حرکت تاریخی می‌گویند: «در راهپیمایی روز نهم دی‌ماه که مصادف با اول صفر المظفر بود، قرار شد مقصد راهپیمایی برخلاف معمول، این دفعه باغ استانداری باشد. جمعیت از بالاخیابان (خیابان شیرازی) به طرف فلکه آب (میدان بیت‌المقدس) حرکت کرد و از آن‌جا وارد خیابان عریض تهران شد. اوج و شکوه راهپیمایی در خیابان تهران را هرگز فراموش نمی‌کنم. در این خیابان شصت‌متری، تقریباً جمعیت موج می‌زد و علما پیشاپیش جمعیت بودند. من نگاه کردم و دیدم خیلی از علمایی که تا آن روز دیده نمی‌شدند، در جمع راهپیمایان حضور داشتند. جمعیت با یک نظم واقعاً شگفت‌آوری، مانند کوهی آرام، مثل یک قطار عظیم، به سمت استانداری در حرکت بود.» با ورود مردم به باغ استانداری، مقدمات سخنرانی آیت‌ا... خامنه‌ای فراهم شد. اما درست در همان هنگام، ورود یک جیپ ارتشی به باغ استانداری، اوضاع را متشنج کرد. با وجود این که مسئولان برگزاری راهپیمایی توانستند با کمک مردم، جیپ و سرنشینان آن را از محوطه خارج کنند، اما شلیک چند گلوله و ورود تانک‌ها به چهارراه استانداری، التهاب شدیدی را در میان مردم ایجاد کرد.

■ شروع درگیری‌ها

ورود تانک‌ها به منطقه حضور مردم، ابتدا به گونه‌ای بود که همه گمان می‌کردند، نظامیان برای پیوستن به مردم آمده‌اند. درواقع بخشی از این تصور درست بود؛ تعدادی از ارتشی‌ها با روی گشاده به صفوف مردم پیوستند؛ اما این پایان کار نبود. انقلابیون قدیمی و باسابقه که نسبت به اتخاذ چنین رویکردی از سوی نظامیان رژیم تردید داشتند، کوشیدند با کنترل جمعیت، مانع از نزدیک‌شدن بیش از حد مردم به تانک‌ها شوند، اما این کار فایده‌ای نداشت. دقایقی بعد، با ورود گروه دیگری از تانک‌ها و نفربرها، ورق برگشت. طولی نکشید که تیراندازی به سوی مردم آغاز شد. جمعیت به هر سو فرار می‌کرد. در چهارراه

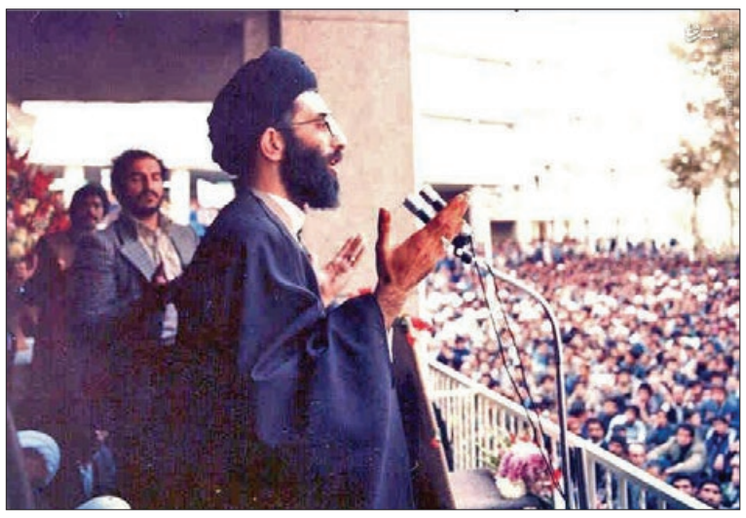

> نگاره‌ای از آیت‌ا... خامنه‌ای هنگام سخنرانی در جمع متحصنان بیمارستان امام رضا(ع)؛ این سخنرانی‌ها و روشنگری‌ها، در کنار مدیریت فعالیت‌های انقلابی در مشهد، باعث شد که مردم طی روزهای نهم و دهم دی‌ماه ۱۳۵۷ با عزمی جدی‌تر در صحنه حضور پیدا کنند و پایان کار رژیم پهلوی را در این شهر رقم بزنند

سیدعبدا... شیرازی جمع شدند تا چاره‌ای بیندیشند. آمار شهدا و مجروحان مشخص نبود، اما گزارش‌ها از شهادت تعداد زیادی از مردم بی‌دفاع خبر می‌داد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در خاطرات خود، درباره وقایع این شب می‌گویند: «آن شب ما منزل آقای شیرازی بودیم. پسر ایشان با اویسی (فرمانده نیروی زمینی و گارد شاهنشاهی) تماس گرفت. با هم صحبت کردند. ایشان به اویسی گفت که آقا (آیت‌ا... العظمی شیرازی) به شدت از عملیاتی که فرماندهان نظامی در این شهر انجام داده‌اند، ناراحت هستند. اویسی با لحنی بسیار تند گفته بود: من شدت عمل را بیشتر خواهم کرد و می‌گویم همه را بکشند. او با کمال وقاحت به جای این که عذرخواهی کند و یا وعده‌ای بدهد و یا ملایمتی نشان بدهد، گفت که من شدت عمل به خرج خواهم داد و به این صورت تهدید کرد.»

■ آغاز و انجام یک‌شنبه خونین

پاسخ ارتشبد اویسی به تماس فرزند آیت‌ا... العظمی شیرازی، تقریباً علما و رهبران انقلاب در شهر مشهد را مطمئن کرده بود که فردا، هر تظاهراتی به‌شدت سرکوب می‌شود؛ اما دیگر امکان اطلاع‌رسانی وجود نداشت. به دستور فرمانده لشکر ۷۷، اجساد سربازان و مأمورانی که در وقایع روز قبل کشته شده بودند، در مراسم صبحگاه ارتش به نمایش گذاشته شد. این اقدام برای تحریک کردن نظامیان علیه مردم بود. گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تعدادی از این قتل‌ها، به وسیله افراد مشکوک و احیاناً مأموران رژیم انجام شده است؛ آن‌ها با این اقدام، در پی واداشتن سربازان، درجه‌داران و افسران به شدت عمل در مقابل اعتراضات مردمی بودند. در نخستین ساعات صبح روز یک‌شنبه، دهم دی‌ماه سال ۱۳۵۷، حرکت تانک‌ها در شهر، زمین را به لرزه درآورد. مأموران رژیم، هر جنبنده‌ای را هدف قرار می‌دادند. تجمع انقلابیون مقابل باغ ملی و مهمانسرای ارتش، با آتش سنگین مسلسل‌ها متفرق شد. «قاسم صفریان» یکی از شاهدان عینی این وقایع، در خاطرات خود می‌گوید: «به باغ ملی که رسیدیم، صدای گلوله‌ها نزدیک بود و صدای مسلسل قطع نمی‌شد. همه را به گلوله می‌بستند. یک کشتار وحشیانه مقابل نانوایی چهارراه لشکر شد.» سیل مجروحان و شهدا به سمت بیمارستان امام رضا(ع) جاری شده بود. مأموران رژیم حتی خودروهای پارک‌شده را هم، هدف قرار می‌دادند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، در یکی از سخنرانی‌هایشان درباره وقایع روز دهم دی‌ماه سال ۱۳۵۷ در مشهد، می‌گویند: «آن روز، روز عجیبی بود. خبرهایی که می‌رسید، نشان‌دهنده کمال وحشی‌گری و جنایت دستگاه [حاکم] بود. از جمله خبرها این بود که ماشین‌های ارتشی در خیابان‌ها راه افتاده‌اند و هرجا صف نفت یا صف نان که آن روزها زیاد دیده می‌شد، [می‌دیدند،] به رگبار می‌بستند. [در] چهارراه نادری (شهدا) و خیابان‌های اطراف، حملات سختی انجام شد.» این در حالی بود که بر اساس گزارش‌های رسمی شهربانی رژیم، در آن روز تعداد اجتماعات بسیار کمتر از روز نهم دی‌ماه بوده‌است. انقلابیون که نمی‌توانستند شاهد شهادت برادران و خواهرانشان باشند، دست به مقاومت زدند. ساختمانی نظامی در چهارراه شهدا به تصرف نیروهای مردمی درآمد و اسلحه‌های موجود در آن مصادره شد. درگیری در این محل بسیار شدید بود؛ به‌طوری که ساعت ۱۱ صبح، نیروهای نظامی رژیم به فرماندهی سرهنگ فریدونی و سرتیپ خسروداد، خود را به خیابان شیرازی رساندند و کوشیدند با تیراندازی مستقیم به مردم و وارد آوردن تلفات سنگین، جمعیت را متفرق کنند. همزمان دستگیری گسترده معترضان آغاز شد؛ مرد، زن، کودک، پیر و جوان برای مأموران فرقی نداشت؛ آن‌ها همه را بازداشت می‌کردند. سرانجام نظامیان رژیم، با استفاده از سلاح‌های سبک و سنگین، مردم را از حوالی چهارراه شهدا متفرق کردند. اطراف بیت آیت‌ا... العظمی شیرازی نیز، غوغایی برپا بود. تعداد زیادی از افرادی که اطراف بیت این مرجع تقلید حضور داشتند، هدف گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. کشتار و وحشی‌گری عوامل رژیم پهلوی در یک‌شنبه خونین مشهد، تا بعدازظهر ادامه داشت. در این واقعه، ده‌ها نفر از مردم مشهد به شهادت رسیدند و صدها تن مجروح و بازداشت شدند. با این حال، یک‌شنبه خونین مشهد، آخرین تلاش نیروهای فروپاشیده رژیم پهلوی برای تقابل با مردم انقلابی مشهد بود. درگیری‌ها به صورت پراکنده، روز بعد نیز ادامه داشت و پس از آن، مردم اداره مراکز حیاتی شهر را به دست گرفتند؛ انقلاب در مشهد پیروز شد.

تلاقی مردم و نظامیان در خیابان بهار

راهپیمایی علما به سوی محل تجمع

استقرار نیروهای رژیم در میدان تقی‌آباد (دکتر شریعتی)

نزدیک استانداری؛ تعدادی از نظامیان به مردم می‌پیوندند

تصاویری از وقایع روزهای نهم و دهم دی‌ماه ۱۳۵۷ در مشهد (منبع: مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

تاریخ غذا

کشف قدیمی‌ترین اغذیه فروشی جهان

«فست‌فود» ۲ هزار ساله شد!

در شهر باستانی پُمپئی، به‌تازگی یک اغذیه‌فروشی خیابانی، به طور کامل از زیر خاک بیرون کشیده شده‌است. پیشخوان نقاشی‌شده و بقایای موادغذایی و استخوان حیوانات نیز، جزو این کشف باستانی است. پُمپئی، در سال ۷۹ میلادی زیر خاکستر آتشفشان مدفون شد. به گزارش مجله تاریخ پایگاه فرادید، طی ده‌های گذشته، بقایایی از آثار باستانی شگفت‌انگیز این شهر، به‌تدریج از خاک بیرون کشیده شد. یکی از کشفیات اخیر در این شهر، یک اغذیه‌فروشی خیابانی است که غذای فوری عرضه می‌کرده و به‌تازگی در معرض دید عموم گذاشته شده‌است. ساختمان این اغذیه‌فروشی، دست‌کم دو هزار سال قدمت دارد. تصاویری که از نقوش دیواره جلوی پیشخوان منتشر شده‌است، موتیف‌هایی از حیوانات و چهره‌های اسطوره‌ای را نشان می‌دهد؛ رنگ‌های پرقدرت آن هنوز حفظ شده‌اند. تقریبا غذاهایی را که عرضه می‌شده‌است، می‌توان در این نقوش دید؛ یک خروس، دو اردک، چند گوسفند و چند بز. باستان‌شناسان در کوزه‌های روی پیشخوان این فروشگاه غذای گرم یا رستوران خیابانی، بقایای استخوان‌های اردک، خوک، بز و نیز ماهی و حلزون تاکستان‌ها را یافته‌اند. علاوه بر این، باستان‌شناسان در اتاقک‌های این اغذیه‌فروشی، یک جام از جنس برنز، دو بطری شیشه‌ای و نیز، یک ظرف کروی‌شکل پخت غذا، از جنس خاک‌رُس نیز یافته‌اند. تاکنون در شهر باستانی پمپئی، ۸۰ مورد از این نوع غذافروشی گرم پیدا شده‌است.

گزارش تاریخی

درباره تاریخ مرکز جمهوری تاجیکستان

روزی که استالین‌آباد پایتخت شد!

شهر دوشنبه، مرکز جمهوری تاجیکستان، اکنون بزرگ‌ترین شهر این کشور است؛ اما دور نیست زمانی که این شهر، دهکده‌ای کوچک بود که به آن «شومان» می‌گفتند. شومان در کتاب‌های کهن جغرافیای ایران، مانند «حدودالعالم»، به عنوان دژی تسخیرناپذیر معرفی شده‌است. «مقدسی»، جغرافی‌دان مشهور، آن را «مکانی پرجمعیت و آباد» معرفی می‌کند و شرف‌الدین علی یزدی در کتاب «ظفرنامه تیموری»، آن را به اختصار، «حصار» می‌خواند. با این حال، تا قرن بیستم میلادی، هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که روزی روزگاری این دژ یا قلعه، پایتخت شود. اداره شهر دوشنبه، از سال ۱۸۶۸ به امیر بخارا که تحت امر تزار روسیه بود، سپرده شد؛ البته بعد از انعقاد قرارداد «آخال» و جدایی این سرزمین‌ها از ایران. در آن زمان، شومان بازار بزرگی داشت که دوشنبه‌ها برگزار می‌شد و به همین دلیل، به‌تدریج در افواه عمومی، «دوشنبه» خوانده شد. باوقوع انقلاب کمونیستی در شوروی، امیر بخارا که موقعیت خود را در خطر می‌دید، از این شهر به دوشنبه گریخت و در آن جا موضع گرفت. مدتی بعد از او، دوشنبه مرکز شورشیانی شد که به رهبری ابراهیم بیک با بلشویک‌ها می‌جنگیدند. به این ترتیب، کمونیست‌های شوروی دریافتند که دوشنبه به لحاظ استحکامات دفاعی، بهتر و قوی‌تر از هر نقطه دیگری در تاجیکستان است. به همین دلیل در سال ۱۹۲۴، این شهر را به عنوان پایتخت جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان برگزیدند. جالب است که چند سال بعد، در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹ و ظاهراً به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر، نام این شهر به «استالین‌آباد»، به تقلید از استالینگراد، تغییر کرد؛ نامی که تا سال ۱۹۶۱ روی آن ماند و در این سال نام قدیمی دوشنبه به آن بازگشت.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی–برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۶۲۷۷۰۰۰۲۴۳ - ۱۳۹۹/۶/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زاوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شرکت کشت و صنعت معین زاده خراسان بشماره ثبت ۴۰۵ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۶۰۵۳۳ در شششدانگ یک قطعه زمین با بنای اعیانی قسمتی از پلاک ۲۵۰-اصلی واقع در اراضی کنگ علیا حوزه ثبتی شهرستان زاوه به مساحت ۴۸۷۲/۱۲ متر مربع خریداری از غلام علی رجبی احدی از ورثه مالک رسمی آقای نوروز علی رجبی کنگ علیا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند که در این صورت اقدامات ثبت موکل به ارائه حکم قطعی دادگاه میباشد بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمیباشد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۹/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰
سید امین موسوی-رئیس ثبت اسناد و املاک زاوه ۹۹۰۷۰۰۲۰/ش